

بررسی چگونگی تاثیر حالت روحی اضطراب در استجابت دعا با محوریت آیه ۶۲ نمل و صحیفه سجادیه

فاطمه صلاحی^۱

دکتر سید جعفر علوی (نویسنده مسؤول)^۲

چکیده

دعا، به عنوان نیایشی فطری و برخاسته از عمق وجود انسان، همواره در متون دینی به ویژه قرآن کریم و صحیفه سجادیه مورد تأکید قرار گرفته است. این پژوهش با تمرکز بر آیه ۶۲ سوره نمل «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ»، به بررسی سازوکار تأثیر حالت اضطراب در استجابت دعا و کشف دستاوردهای معنوی و روانشناختی این پدیده می‌پردازد. با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اضطراب تنها یک شرط ظاهری برای اجابت نیست، بلکه با ایجاد یک دگرگونی درونی، مسیر استجابت را هموار می‌سازد. دستاورد نوین این تحقیق، تبیین «مدل پنج مرحله‌ای گذار از اضطراب به استجابت» بر اساس تحلیل دقیق متون دینی است که شامل: ۱. احساس درماندگی و تذلل ۲. ابراز درماندگی با تضرع ۳. ناامیدی از غیر خدا و انقطاع قلب ۴. رسیدن به مقام خلوص و صدق نیت ۵. قرب الهی و استجابت، می‌باشد.

کلید واژه‌ها: دعا، اضطراب، مضطر، استجابت

مقدمه

۱. طلبه در حال تحصیل سطح ۴ رشته تفسیر تربیتی، مکتب نرجس سلام الله علیها

۲. دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ ایمیل Alavi@razavi.ac.ir

در قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم السلام بر فضیلت و اهمیت دعا و استجابت آن از سوی پروردگار عالم تأکید شده است. چنانکه خداوند متعال می فرماید: «ادعونی استجب لکم» (سوره مومن، آیه ۶۲)

از سوی دیگر دعا و نیایش با حق، حس مشترکی است که ریشه در فطرت همه انسان ها دارد و هر یک از ملت ها و ادیان، آداب به خصوصی را در دعاهاى خود دارند. اما در هیچ آیینی همانند اسلام به مسئله دعا و مناجات با خدا توجه نشده است. صحیفه سجاده‌یه یکی از زیباترین منابع دعایی در مذهب تشیع است.

به طور معمول انسان گرفتار در دنیا از یاد خدا غافل و سرگرم اسباب مادی است. لیکن هر گاه به او رنج و سختی برسد و مضطر و درمانده گردد رو به دعا و تضرع به جانب حق می آورد. «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ» (سوره زمر، آیه ۸) اما اینکه حالت اضطرار و درماندگی چه نقشی در فرایند گشایش امور و رفع نیازها و خواسته های انسان دارد و چگونه منجر به استجابت دعا از سوی خداوند متعال می شود؛ مسأله‌ای است که در این مقاله به دنبال پاسخ آن هستیم. در قرآن کریم به صراحت یکی از حالاتی که دعا در آن به استجابت می رسد، حالت اضطرار بیان شده است. «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ» (سوره نمل، آیه ۶۲) لذا اضطرار نقطه عطفی است که به استجابت دعا منجر می شود.

در کتب گوناگون در رابطه با شرایط استجابت دعا به مطالبی اشاره شده است؛ اما اینکه در این میان اضطرار یا سایر شرایط چگونه به استجابت دعا منجر می شود؛ کمتر پرداخته شده، جز در کتب تفسیری ذیل آیه ۶۲ نمل و آیات متشابه آن به طور مختصر بحث شده است. هدف از این تحقیق آن است که ضمن پی بردن به چگونگی استجابت دعا در حالت اضطرار، بتوان این حالت را در هنگام دعا در خود ایجاد کرد و گوهر استجابت دعا را از درگاه احدیت طلب نمود.

از این رو، پس از مفهوم شناسی واژگان اصلی و مرتبط مانند دعا و اضطرار و بیان مختصری از اهمیت دعا و جایگاه اضطرار - به لطف الهی - چگونگی تأثیر اضطرار در استجابت دعا تبیین خواهد شد.

۱. مفهوم شناسی

در این بخش، به تبیین لغوی و اصطلاحی سه مفهوم محوری این پژوهش، یعنی دعا، اضطرار و استجابت پرداخته می شود.

۱.۱. دعا در لغت و اصطلاح

کلمه‌ی دعا مصدر است از ریشه دعو به معنای خواندن و کسی را به کاری یا چیزی ترغیب کردن، حاجت خواستن و به یاری طلبیدن (فراهیدی، العین، ج ۲، ص ۲۲۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۷؛ طریحی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۴۱)

در قرآن کریم هم کلمه دعا و مشتقاتش بیش از دویست بار در معانی گوناگون آمده است که بیشتر در معنای خواندن، طلب نیاز و حاجت به کار رفته است. (روحانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۲۶)

دعا در اصطلاح اهل شرع، گفت و گو با حق تعالی است که یا به صورت طلب حاجت و درخواست حل مشکلات از درگاه اوست و یا به نحو مناجات و یاد صفات جلال و جمال ذات اقدسش. (مشکینی، ۱۳۷۹، ص ۱۷) همچنین دعا در اصطلاح شریعت اسلام یعنی اظهار نیاز و خواهش بندگان به درگاه خدای قادر متعال و طلب توجه خداوند به کسی که او را می‌خواند؛ (ابن فهد حلی، عده الداعی، ص ۹) لکن منظور از توجه خداوند، رو کردن فضل الهی به بنده‌ی محتاج است و این معنا زمانی در انسان حاصل می‌شود که پروردگار عالم را به قدرت، کرم و رحمت دریابد و وجود خود را سراسر فقر و احتیاج ببیند؛ چنانکه خداوند خود به این امر اشاره نموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (سوره فاطر، آیه ۱۵)

1.2. اضطرار در لغت و اصطلاح

اضطرار در لغت: کلمه اضطرار از ماده ضرر به معنای بدی حال و ضد نفع است. (طریحی، ج ۳، ص ۳۷۲) صاحب التحقيق، اصل معنایی آن را واحد دانسته و آن را مقابل نفع، به معنای شری می‌داند که متوجه چیزی شده و در آن یا متعلقاتش نقصان و کمبودی ایجاد می‌کند یا بدون نقصان باعث ایجاد سوء حال می‌شود؛ (مصطفوی، ج ۷، ص ۴۱) اما اضطرار از باب افتعال به معنای اختیار و انتخاب ضرر است و معمولاً انسان از روی اختیار خود را در ضرر قرار نمی‌دهد. لذا این صیغه بر معنای اسم مفعول بنا شده است؛ یعنی به سبب و علتی مانند تقدیر الهی، سوء عمل و نیت بنده، این نقصان و ضرر در انسان ایجاد و مضطر می‌شود. (همان، ص ۴۲) همچنین اضطرار به معنای احتیاج و نیاز به شیء است و اسم مصدر آن ضرورت می‌باشد. (ابن منظور، ج ۴، ص ۴۸۴). لذا در آیه شریفه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ» مضطر به همین معنای درمانده و ناچار و محتاج آمده است.

صاحب المفردات، اسباب اضطرار را یا از خارج دانسته و یا از درون انسان که توان دفعش را ندارد، مانند گرسنگی که منجر به مرگ او شده و اضطرار به اکل میته پیدا می کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۵۰)

انسانی که مضطر می شود؛ احدی توان دفع این اضطرار را جز ذات احدیت ندارد؛ چنانکه آیه شریفه ذیل بر این حقیقت مهم اشاره دارد. «و لا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَ لَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِنْ الظَّالِمِينَ وَ إِنَّ يَمْسَسُكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَ إِنَّ يُرِدَّكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ؛ و جز خدا، چیزی را که نه سودی به تو می رساند و نه زیانی، مخوان! که اگر چنین کنی، از ستمکاران خواهی بود! و اگر خداوند، (برای امتحان یا کیفر گناه)، زیانی به تو رساند، هیچ کس جز او آن را برطرف نمی سازد؛ و اگر اراده خیری برای تو کند، هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد! آن را به هر کس از بندگانش بخواهد می رساند؛ و او غفور و رحیم است!» (سوره یونس، آیه ۱۰۶ و ۱۰۷، ترجمه مکارم شیرازی) این اضطرار به خدای تعالی به این دلیل است که تمام سود و زیانها به دست اوست. اگر خداوند سودی برای بنده ای اراده کند، هیچ کس توان منع آن را ندارد. همان گونه که اگر خدای تعالی ضرری را اراده کند، احدی را امکان دفع آن نیست. همین خود اقتضاء می کند عبادت و دعا مخصوص درگاه الهی باشد. بدین ترتیب تمام انسانها برای رسیدن به آمال و آرزوهای خود مضطر به درخواست از حق تعالی هستند. (طباطبایی، ج ۱۰، ص ۱۹۷)

بنابراین اضطرار در لغت حالتی است که موجب می شود در انسان ناچاری و احتیاج قطعی حاصل شود و احدی جز خداوند قادر به رفع این حالت اضطرار نیست.

اضطرار در اصطلاح: اصطلاح اضطرار در فقه و اصول بکار رفته است؛ چنانکه فقهاء در تعریف اضطرار گفته اند: اضطرار آن چیزی است که با ترس بر نفس محترم دیگران به وجود آید. مانند حامله ای که بر حمل و شیردهی طفل خود بترسد و یا اکراه و تقیه ای که از ترس تلف شدن جان، آبرو و مال خود باشد یا ترس از جان و آبروی دیگری که حفظ آن بر او واجب بوده به وجود آمده باشد و یا مواردی که ضرری است که بطور معمول قابل تحمل نیست. پس این فرد با این ترس مضطر است. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۶، ص ۴۲۷) در کتابهای فقهی از آن تحت عنوان قاعده اضطرار یاد می شود که با وجود آن حرمت فعل محرم مرتفع و مجازات آن منتفی می شود. در این رابطه شیخ طوسی می گوید: اضطرار هنگامی مصداق می یابد که خطری عمده پیش آید آنگاه برای رفع خطر، حرام حرمت خود را از دست می دهد و گاه به صورت واجب درمی آید. (طوسی، الخلاف، ج ۲، ص ۵۴۴) مانند: اکل میته، که در

حالت اضطرار و ضرورت و نیاز شدید جهت حفظ جان، به مقدار نیاز حلال می شود. بنابراین اضطرار در فقه وضعیتی غیر قابل تحمل است که هر گاه مکلف در آن قرار گیرد اجازه پیدا می کند برای رهایی از آن وضعیت در حد ضرورت و با شرایطی واجبی را ترک یا حرامی را انجام دهد. برای قاعده اضطرار مستنداتی از آیات قرآن و روایات ذکر شده است. (رک:سوره بقره، آیه ۱۷۳؛ انعام ۱۱۹؛ ابن بابویه، الخصال، ص ۴۵۸؛ حر العاملی، وسائل الشیعه ج ۴، ص ۶۹۰) که از محل بحث ما خارج است.

اما اضطرار در اصطلاح اصولی ها به دو معنا بکار رفته است:

الف: به معنای سلب کامل اختیار در جایی که عامل خارجی به طور قهری اختیار را از شخص سلب کند؛ مثل کسی که در اثر طوفان از بلندی به پایین پرت شود و تحت عنوان اضطرار بسوء اختیار بحث می شود.

ب: به معنای ناچاری و اوضاع و احوال سختی که تحمل آن عادتاً دشوار یا غیر تحمل است که در این صورت شخص مجبور می شود بر خلاف میل باطنی خود از روی قصد و رضای خاصی عملی را انجام دهد و این معنا در اصول رایج است که در باب اجزاء امر اضطراری از امر واقعی، اضطرار در اطراف علم اجمالی و.. بحث می شود. حیدر محمد صنفور علی، المعجم الاصولی، ص ۱۷)

در این نوشتار مراد از اضطرار، همان احتیاج، ناچاری و احوال سختی که از حد توان و صبر انسان خارج شده، مد نظر است، بدون اینکه منجر به گرفتن تصمیم و عملی در حوزه امور عبادی شود. در روایات معصومین علیهم السلام می توان اصطلاح فناء صبر را در هم ردیف آن مطرح کرد. چنانکه در حدیث مکمل، امام صادق علیه السلام به مادری که فرزندش زندانی است چندین بار دستور به صبر می دهد. اما وقتی مادر قسم یاد می کند که صبرش به اتمام رسیده، حضرت مژده بازگشت پسرش را می دهد. مادر سوال می کند. آیا به ایشان وحی شده است؟ حضرت در جواب می فرماید: «عند فناء الصبر يأتي الفرج؛ هنگام تمام شدن صبر، گشایش می آید» (ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۵۰) و این معنا به لحظه اضطرار که خداوند وعده اجابت را داده، بسیار نزدیک است. چنانکه امام سجاد علیه السلام می فرماید: «اللهم لا طاقة لي في الجهد ولا صبر لي على البلاء...؛ خدایا مرا تاب تحمل سختی ها و شکیبایی بر بلاها و توان تهیدستی و فقر نیست. پس در روزی دهی بر من سخت مگیر و مرا به آفریده هایت وامگذار. بلکه تو خود حاجتم را روا و نیازم را کفایت فرما.» (صحیفه سجاده، دعای ۲۲، ص ۱۶۴)

بنابراین در اسلام دستور اولیه در برابر مشکلات و سختی ها صبر و تحمل است و کلید بسیاری از گشایش ها صبر بیان شده است؛ لیکن گاه مشکلات و دردها از حد توان و صبر انسان خارج می شوند ، لحظه بیقرباری و درماندگی بر انسان عارض می شود و حالت اضطرار در او ایجاد می شود؛ اینجا است که با تمام وجود و خالصانه خدای خود را می خواند و در این لحظه است که خداوند وعده اجابت و رفع سوء حال داده است . منظور ما در این نوشتار همین لحظه می باشد.

1.3. استجابت در لغت

کلمه استجابت مصدر باب استفعال از ریشه جوب به معنای اجابت در مقابل دعا و درخواست با قبول و عطا است. (مجمع البحرین ، طریحی، ج ۲، ص ۲۸ ؛ لسان العرب ، ابن منظور، ج ۱، ص ۲۸۳)

صاحب مفردات هم استجابت را همان اجابت دانسته که حقیقت آن آماده شدن برای جواب است که بخاطر فاصله اندک و نزدیکی به جواب، به استجابت تعبیر شده است. (راغب اصفهانی، ج ۱، ص ۲۱۰) که همین معنا مدنظر است.

اما اینکه مراد از اجابت چیست؟ آیا رفع عین گرفتاری است یا موارد دیگر؟ با توجه به متون دینی می توان گفت: استجابت به شیوه های مختلفی تحقق می یابد؛ گاه عین خواسته ی فرد محقق می شود و گاهی جایگزین شده و یا ذخیره ی آخرت او می گردد . چنانکه رسول خدا صلی الله علیه می فرماید: «در حوائج خود به درگاه خدا فزع کنید و در ناملایمات خود به او پناهنده شوید و به درگاهش تضرع نموده او را بخوانید، که دعا مغز عبادت است، و هیچ مؤمن نیست که خدا را بخواند، مگر آنکه دعایش را مستجاب می کند. آن هم یا به فوریت، که در نتیجه ثمره اش در دنیا عاید او می شود و یا با مدت که در نتیجه ثمره اش در آخرت عایدش می شود و یا حد اقل ثمره آن را به مقدار دعایش کفاره گناهانش قرار می دهد، البته همه اینها در صورتی است که از خدا گناه نخواهد.» (عده الداعی ص ۱۰۳ و بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۵)

در نهج البلاغه در یکی از وصایای امیر المؤمنین علیه السلام به فرزندشان نیز آمده است: «خداوند کلیدهای گنجینه های خود را در دست تو قرار داده که به تو اجازه دعا کردن داد. پس هر گاه اراده کردی میتوانی با دعا درهای رحمت الهی را بگشایی تا باران رحمت الهی بر تو ببارد. هرگز از تاخیر اجابت دعا ناامید مباش؛ زیرا بخشش الهی به

اندازه، نیت است. گاه در اجابت دعا تاخیر می‌شود تا پاداش درخواست کننده بیشتر شود، گاهی در خواست می‌کنی اما پاسخ داده نمی‌شود زیرا بهتر از آنچه خواستی بزودی یا در وقت مشخص، به تو خواهد بخشید، یا به جهت اعطاء بهتر از آنچه خواستی دعا به اجابت نمی‌رسد؛ زیرا چه بسا خواسته‌هایی داری که اگر داده شود مایه‌ی هلاکت دین تو خواهد بود. پس خواسته‌های تو بگونه‌ای باشد که جمال و زیبایی تو را تأمین و رنج و سختی را از تو دور کند؛ پس نه مال دنیا برای تو پایدار و نه تو برای مال دنیا باقی خواهی ماند.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

منظور امام از جمله (بخشش به مقدار نیت است) این بوده که استجابت همواره مطابق دعا است، پس آنچه سائل بر حسب حقیقت ضمیرش از خدا می‌خواهد، خدا به او می‌دهد، نه آنچه که گفتارش و لقلقه‌ی زبانش اظهار می‌دارد، چون بسیار می‌شود که لفظ آن طور که باید مطابق با معنای مطلوب نیست، بنابراین جمله مورد بحث بهترین و جامع‌ترین کلمه برای بیان ارتباط میان درخواست و اجابت است. (طباطبایی، ج ۲، ص ۵۳)

۲. جایگاه اضطرار در هنگام دعا از منظر متون دینی

دعا در فرهنگ اسلام و اهل بیت علیه السلام منزلت و مقام والایی دارد. گرایش به دعا و توجه به موجودی برتر و ماوراء همچون گرایش کودک به مادر اوست که انسان با آنکه خدای خود را ندیده ولی در مواقعی خاص، (مانند اضطرار) به طور فطری رو به او می‌کند و دست دعا و تضرع به سویش می‌گشاید. در واقع دعا رسیدن به نیازها از طریق غیر از طریق مرسوم است؛ چرا که انسان با وجود دانایی و توانایی در مقابل بسیاری از نیروهای شناخته و ناشناخته‌ی عالم کاری از پیش نمی‌برد و برای ادامه‌ی حیات خود نیازمند غلبه بر آنها هم هست، مانند: بیماری‌ها و بلایای طبیعی و از طرفی می‌داند، اداره این جهان به دست موجودی برتر از اوست که بر هر کاری تواناست؛ لذا آموخته است که با دعا و طلب نیاز از خداوند قوای موجود در طبیعت را بکار گرفته و به رفع نیازش پردازد. پس دعا یکی از علل این جهان است که در سرنوشت انسان موثر است و یکی از مظاهر قضا و قدر الهی است که می‌تواند در سرنوشت حادثه‌ای موثر باشد. (مطهری، انسان و سرنوشت، ص ۷۹)

علاوه بر آن معصومین تاکید کردند که با دعا علاوه بر رفع حاجات می‌توان به مقام و رتبه‌های برتر ایمان دست یافت؛ چنانکه امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خویش بنام میسر بن عبد العزیز می‌فرماید: «ای میسر! از دعا

غفلت نکن. مبدا بگویی هر کسی مقدر داشته و گذشته است. نزد پرودگار مقامی است که کسی به آن نمی‌رسد مگر با درخواست از خدا و اگر بنده ای دهان فرو بندد و چیزی نخواهد به او داده نخواهد شد؛ پس از خدا بخواه تا حاجت بگیری.» (اصول کافی، ج ۴، ص ۱۱)

همچنین قطع نظر از اجر و پاداشی که برای دعاست و قطع نظر از اثر اجابتی که در دعا مترتب است، دعا اگر از حدّ لقلقه زبان بگذرد و حال با زبان هماهنگی کند و روح انسان به اهتزاز درآید، یک روحانیت بسیار عالی دارد. مثل این است که انسان شرافت گوهر انسانیت را در آن وقت حس می‌کند؛ (مطهری، بیست گفتار، ص ۲۸۴) چرا که حقیقت دعا همان روی آوردن بنده به سوی حق و سیر الی الله است و ذکر خدا و تقرب به سوی او، گوهری است که در متن دعا به ودیعت گذاشته شده و اگر دعا کننده به این گوهر توجه کند، برترین پاسخ و اجابت را دریافته است و اگر از آن غافل باشد، قدر و منزلت دعای خود را تنزل داده است.

در این میان به حالت اضطرار در دعا در آداب آن سفارش شده است. چنانکه در حدیث قدسی خطاب به حضرت عیسی آمده: «ای عیسی! بخوان مرا همچون خواندن اندوهگین غریقی که نباشد او را فریاد رسی. ای عیسی! از من طلب کن و از غیر من طلب نکن و نیکوست از تو دعا و از من اجابت و بخوان مرا مگر با تضرع .. پس هرگاه این چنین مرا بخوانی من اجابت کنم تو را.» (ابن فهد حلی، عده الداعی، ص ۱۲۲) و حفظ همین حال اضطرار در هنگام دعا در حال گشایش و راحتی نیز از سوی امام سجاد علیه السلام نیز درخواست شده است. چنانکه می‌فرماید: «واجعلنی مِمَّنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصاً فِي الرَّخَاءِ دَعَاءَ الْمُخْلِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ؛ خدایا مرا از کسانی قرار ده که تو را در حال گشایش، با اخلاص تمام می‌خوانند و چنان کن که هرگاه تو را می‌خوانم، همانند مخلصانی باشم که در خواندن تو مضطربند که تو پسندیده و بلند پایه ای» (صحیفه سجاده، دعای ۲۲، ص ۱۷۰)

در دعایی دیگر از امام سجاد علیهم السلام آمده: «دَعْوَةُ يَا رَبُّ مُسْكِينًا مُسْتَكِينًا مُشْفِقًا خَائِفًا وَجَلَاءً فَقِيرًا مُضْطَرًّا إِلَيْكَ؛ خدایا تو را می‌خوانم در حالی که مسکین و بیچاره ام و قلبم ترسان و تنم لرزان و هراسناک و درمانده و مضطرب» (صحیفه سجاده، دعای ۵۱، ص ۴۲۴) امام در این فراز از دعا، پروردگار خود را در نهایت اظهار تذلل و خشوع و بندگی و درماندگی در محضر حق می‌خواند.

در مناجاتی دیگر امام چنین می فرماید: « خداوندا از درگاه تو به کجا برویم؟ و به چه کسی روی آوریم؟ تو پاک و منزهی و ما در نهایت اضطرابیم و خود وعده داده ای که دعای درماندگان را اجابت نمایی و گرفتاریم و تو وعده داده ای که اندوه گرفتاران را بگشایی.» (صحیفه سجادیه، دعای ۱۰، ص ۷۵)

لذا مقام بلند و رفیع درگاه الهی اقتضا می کند که بنده مطیع همواره با تضرع و مضطرانه خدای خویش را بخواند و چون حق بندگی را بجا آورد؛ خداوند متعال نیز حاجت و نیاز بنده خویش را روا می دارد.

۳. عوامل ایجاد اضطراب از منظر قرآن

بر اساس معنای لغوی اضطراب، عامل آن می تواند درونی و یا بیرونی باشد. قرآن کریم هم به هر دو نوع آن اشاره می کند.

الف) عوامل بیرونی (بأساء)

گاه بروز سختی ها و شدائد، جنگ ها و بروز بیماری های ناشناخته (مانند طاعون، کرونا) در میان مردم اضطراب ایجاد می کند و انسان ها چاره ای برای رفع آن ندارند. در این هنگام خداوند فلسفه ابتلاء به شدائد را رسیدن به تضرع و زاری نزد خدای متعال و بازگشت آنها به سوی حق دانسته و می فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ؛ ما به امتهایی که پیش از تو بودند پیامبرانی فرستادیم (و هنگامی که به مخالفت آنها برخاستند) آنها را به شدت و رنج و ناراحتی مواجه ساختیم شاید (بیدار شوند و در برابر حق) تسلیم گردند» (انعام، ۴۲)

در آیه شریفه، کلمه بأساء: آزماده «بأس» به معنای شدت و سختی در جنگ، ترس و فقر و عذاب آمده است. لسان العرب، ج ۶، ص ۲۰ و مجمع البحرین، ج ۴، ص ۵۰ که در واقع بیانگر اسباب خارجی ایجاد کننده اضطراب هستند.

کلمه تضرع نیز به معنای استغاثه کردن و مبالغه در اظهار نیاز و سوال است (لسان العرب، ج ۸، ص ۲۲۲ و مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۶۴). در واقع تضرع به معنای اظهار تذلل است. یعنی خود را در معرض طلب حاجت قرار دادن و فرق آن با استکانت این است که استکانت قلبی است ولی تضرع زاری با زبان و امری ظاهری است. (قاموس القرآن، قرشی، ج ۴، ص ۱۸)

در معنای لغوی اضطراب اشاره شد که نتیجه اضطراب ایجاد حالت درماندگی و احتیاج است؛ لذا می توان گفت: تضرع همان اظهار درماندگی و بیان اضطراب به زبان و بدن است؛ به گونه ای که بیننده ی شخص مضطرب، فریاد وجود او را به فقر و نیاز ببیند.

ب) عوامل درونی

در قسمت دوم ادامه آیه شریفه ۴۲ انعام ، ضراء به معنای بد حالی است، چه بد حالی روحی، مانند اندوه و نادانی، یا بد حالی جسمی، مانند مرض و نقص های بدنی و یا بد حالی های خارجی، مانند سقوط از ریاست و جاه و از بین رفتن مال و امثال آن. (طباطبایی، ج ۷، ص ۱۹۲) در این مشکلات چه کسی به جز پروردگار هستی به فریاد انسان می رسد؛ چنانکه قرآن می فرماید: «قُلْ مَنْ يُنَجِّيْكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ: قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيْكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ؛ بگو: «چه کسی شما را از تاریکی های خشکی و دریا رهایی می بخشد؟ در حالی که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی می خوانید؛ (و می گوید): اگر از این (خطرات و ظلمتها) ما را رهایی می بخشد، از شکرگزاران خواهیم بود. بگو: خداوند شما را از اینها، و از هر مشکل و ناراحتی، نجات می دهد؛ باز هم شما برای او شریک قرار می دهید!» (سوره انعام، آیه ۶۳ و ۶۴)

کرب به معنای اندوه فراوان و شدید است که در نفس انسان حاصل می شود. (رک: مفردات، ص ۷۰۶؛ والتحقیق، ج ۱، ص ۳۸؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۷۹) در این آیه، کُلُّ كَرْبٍ (هر اندوهی) به ظلمات بر و بحر اضافه شده تا شامل همه مردم و همه ناملایمات بشود؛ چون هیچ انسانی نیست که در طول زندگیش به اندوهی برخورد نکند و در این اندوه ها، تنها خداست که نجات دهنده است و یا هر گاه انسان مرتکب گناهی می شود که نسبت به ترک آن عاجز شده و نفس توانایی مقابله با وسوسه های شیطانی را از دست می دهد به نوعی انسان مضطرب می شود و پناهگاهی جز استعاذه به خداوند ندارد.

۴. چگونگی تاثیر اضطراب بر استجابت دعا

استجابت دعای مضطرب، امری است که در آیات متعدد به آن اشاره شده است (نمل، ۶۲؛ یونس، ۱۲ و ۲۲) که از معروف ترین آنها، آیه ۶۲ سوره مبارکه نمل می باشد: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكَشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ

خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَيْ إِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ؛ یا کسی که دعای مضطرّ را اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد، و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! کمتر متذکر می‌شوید!

به منظور تبیین بیشتر آیه شریفه، نخست لازم است به دو مطلب در این خصوص، اشاره شود:

منظور از «المضطر» در آیه شریفه کیست؟ به عبارت دیگر، الف و لام به کار رفته در این واژه به چه معناست؟

و اینکه چه عاملی در اضطرار وجود دارد که منجر به استجابت می‌شود؟

در رابطه با نوع الف و لام در این واژه، سه احتمال مطرح است:

الف. الف و لام جنس

اگر الف و لام در «المضطر» الف و لام جنس باشد، معنایش این است که دعای شخص مضطر - فارغ از مصادیق و تعداد آن - اجابت می‌شود. این احتمال که آلوسی آن را مطرح کرده به این دلیل است که اگر استغراق باشد، باید گفت: دعای تمام افراد مضطر، مستجاب می‌شود با این که در خارج به زعم وی این گونه نیست. (آلوسی، ج ۱۰، ص: ۲۱۷)

ب. الف و لام استغراق

برخی مفسران، الف و لام در «المضطر» را استغراق گرفته‌اند. البته این گروه نیز دو گونه اظهار نظر کرده‌اند. برخی مانند صاحب المیزان بدون هیچ قیدی تمام دعا‌های مضطر را مستجاب دانسته و نظریه خود را چنین توضیح داده‌اند: آیاتی مانند «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر، ۶۰) و «فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (بقره، ۱۸۶) این معنا را تأیید می‌کند که تمام دعاها به اجابت می‌رسد؛ چه، این آیات با تخلف دعا از استجابت سازگار نیست. به اعتقاد وی آن دعا‌هایی که می‌بینیم به ظاهر اجابت نمی‌شود؛ در حقیقت دعا نیست. علامه اضافه می‌کند، آیات متعددی در قرآن، مانند: «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا» (یونس، ۱۲) و «حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ إِلَىٰ قَوْلِهِ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ» (یونس: ۲۲) به اجابت دعای مضطر اشاره کرده است. گویا در نگاه وی چنین آیاتی شاهد بر این است که مراد از الف و لام در این آیه نیز استغراق است. (طباطبایی، ج ۱۵، ص

بعضی دیگر گفته‌اند: الف و لام در «المضطر» استغراق است. اما به نحو مقید. توضیح اینکه اجابت دعای مضطر، مشروط و مقید به مشیت و خواست الهی است. (روح المعانی، ج ۲۰، ص ۶) دلیل این نظریه را آیه دیگری معرفی کرده‌اند که در سوره مبارکه انعام آمده است: «بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ» (انعام، ۴۱) در این آیه شریفه، اجابت به مشیت الهی مشروط شده است.

ج. الف و لام عهد

برخی هم احتمال عهد را داده؛ گفته‌اند: با توجه به سیاق آیات، منظور از مضطر، مشرکان هستند که در هنگام اضطراب، سراغ خدای متعال می‌روند و خداوند دعای آنان را اجابت می‌کند. قائل این نظریه، دو قسمت از همین آیه یعنی: «وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ» و «أَإِلَهَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ» را شاهی بر این معنا ذکر کرده است. (روح المعانی، ج ۱۰، ص ۲۱۸)

با این حال در روایات، «المضطر» در این آیه به حضرت مهدی ارواحنا فداه تأویل شده است. عن أبي عبد الله (عليه السلام)، قال: «نزلت في القائم من آل محمد (عليهم السلام)، هو و الله المضطر، إذا صلى في المقام ركعتين، و دعا الله فأجابته، و يكشف السوء، و يجعله خليفة في الأرض». (تفسير البرهان، ج ۴، ص ۲۲۵)

در هر صورت، الف و لام «المضطر» در این آیه را به هر معنایی بدانیم، این مطلب که خدای تعالی وعده اجابت به دعای مضطر داده است، از متون مختلف دینی به روشنی قابل استفاده است؛ از جمله: «یا مجیب دعوه المضطرين» (الکافی، ج ۲، ص ۵۶۱؛ همان، ج ۴، ص ۵۶۰؛ همان، ص ۵۶۱) و «أنت الله مجيب دعوة المضطرين». (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۹۰)

در رابطه با سوال دوم یعنی چه عاملی در حالت اضطراب وجود دارد که منجر به اجابت قطعی دعا می‌گردد؟ لازم است حالاتی را که برای شخص مضطر شکل می‌گیرد و یا به دنبال اضطراب در انسان ایجاد می‌شود بررسی می‌کنیم تا بیشتر به عمق جواب دست یابیم. در یک جمع بندی می‌توان گفت: با شکل‌گیری اضطراب حالاتی در انسان به وجود می‌آید که خود، عاملی برای استجاب قطعی دعا به شمار می‌رود. (شایان ذکر است که به نظر می‌رسد این امور به هم پیوسته هستند و نمی‌توان تقدم و تأخر دقیق عقلی در نظر گرفت)

۴.۱. احساس درماندگی به سبب اضطراب

با استناد به تحلیل مفهومی پیشین از «اضطرار»، می‌توان ادعا کرد که احساس درماندگی و ناتوانی از جمله ارکان اساسی و مقومات مفهومی این پدیده به شمار می‌آید. هنگامی که فرد با شرایط دشوار و طاقت‌فرسایی مواجه می‌شود که توانایی‌های معمول وی برای مقابله را در هم می‌شکند، یکی از نخستین و بارزترین پاسخ‌های هیجانی-شناختی که در وی پدیدار می‌گردد، احساس عمیق ناتوانی و درماندگی است. این ادراک از ناتوانی، به معنای احساس عدم قابلیت فرد برای تغییر وضعیت یا کنترل عامل فشارزای بیرونی است. حس مزبور، نه تنها یک پیامد روانی است، بلکه خود به عنوان بستری برای شکل‌گیری وضعیت اضطرار عمل می‌کند.

از این رو به نظر می‌رسد آیاتی که راجع به شخص مضطر صحبت می‌کنند، بر مبنای درک همین حالت درونی و عینی «ناچاری» و «بی‌چارگی» است. (انعام، ۶۳؛ نمل، ۶۲؛ عنکبوت، ۶۵)

۴.۲. ابراز اضطرار در قالب تضرع

فردی که غرق در دنیا و غافل از یاد خداست به هنگام مشکلات و احساس درماندگی و بی‌پناهی از رفتار گذشته خویش پشیمان شده و اقدام به تغییر در رفتار خود می‌کند. این تغییر ابتدایی رفتار با اظهار این احساس ناتوانی و اضطرار، در قالب گریه و زاری در بیان قرآن تضرع نامیده شده است. (سوره انعام، آیه ۴۲) تضرع در لغت به معنای مبالغه در درخواست و نیاز، استغاثه و اظهار ضعف و ذلت است (مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۲۴ و لسان العرب، ج ۸، ص ۲۲۲)

اظهار بندگی و نیاز در درگاه الهی مورد تاکید قرآن نیز هست: «ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ پروردگار خویش را از روی لابه و درنهمان بخوانید، زیرا او تجاوزکاران را دوست ندارد.» (سوره اعراف، آیه ۵۵)

خفیه به معنای پنهانی و پوشیده داشتن است، و بعید نیست کنایه از همان تضرع بوده و غرض از ذکرش تاکید همان اظهار ذلت و عجز باشد، چون شخص متذلل همواره در اثر ذلت و خواری در صدد پنهان ساختن خویش است؛ (طباطبایی، ج ۸، ص ۱۹۹) لذا این تضرع، خود مقدمه بندگی و اظهار توبه از سوی آدمی و از آداب دعا است که خود به نوعی عبادت حضرت حق است و در حقیقت کسی که نسبت به این حالت استکبار بورزد و از آن خودداری کند، از مقام بندگی حق خارج شده است.

پس لازمه اضطرار، تضرع و اظهار خشوع و بندگی است که غبار غفلت از دل آدمی به کناری می زند و لطافت روح را به همراه دارد. همین اظهار خشوع و بندگی، آن قدر اهمیت دارد که زمینه ساز استجابت و توجه فضل الهی شود. لذا در روایات در آداب دعا جهت استجابت دعا به حالت گریه و تباکی تاکید شده است. چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «هر گاه بدنت لرزید و چشمت گریست و قلبت لرزید پس طلب کن که حاجتت نزدیک است» (اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷۸) چرا که گریه بر رقت قلب و انقطاع از خلق و زیادی خشوع قلب دلالت دارد. (عده الداعی، ص ۱۱۹)

۴.۳. انقطاع از غیر الله و گرایش خالصانه به الله

انسان بعد از حالت اضطرار و ابراز این اضطرار در قالب استغاثه و فریاد، از اسباب ظاهری ناامید شده و از غیر الله انقطاع پیدا می کند. البته انقطاع از دوست داشتنی ها و اسباب جهان در حالت عادی کار هر کسی نیست و بدیهی است، انسان در هنگام گرفتاری و اضطرار به طور فطری به سوی مولای خویش می گریزد. «ففرّوا الی الله؛ پس به سوی خداوند بگریزید» (ذاریات، آیه ۵۰) بنابراین چون انسان تمام اسباب ظاهری را در برابر مشیت الهی بی ثمر دانست و از همه مایوس گردید. به طور فطری به به سمت خدا می رود و اینجاست که روحش اوج می گیرد. این کمال برای نفس نیست. بلکه کمال در این است که بدون اضطرار، انسان خودش را منقطع سازد و اوج بگیرد. (مطهری، بیست گفتار، ص ۲۸۹) چنانکه در دعاهای ائمه معصومین علیهم السلام از جمله در مناجات شعبانیه می خوانیم: «الهی هَبْ لی کمالَ الانقطاعِ الیکَ و اُنِرْ ابصارَ قلوبنا بضیاءِ نظرها الیکَ؛ بار خدایا انقطاع به سوی تو را بر من ببخش...».

به عبارت دیگر انسان در حالت عادی به تاثیر اسباب عادی امیدوار و غافل از توجه و عنایت الهی است. بعد از ابتلاء به سختی ها و تمام شدن صبر و طاقت و ناامیدی از تاثیر اسباب، متوجه درگاه الهی می شود. چنانکه قرآن می فرماید: «وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنِّهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا؛ وقتی گرفتاری و بلا به انسان برسد ما را می خواند، به پهلو و نشسته و یا ایستاده». (سوره یونس، آیه ۱۲). سپس اظهار تضرع کرده و انقطاع از غیر الله، در وجودش شکل می گیرد و با گرایش فطری به سمت خدا، خالصانه فقط او را می خواند، در این باره قرآن به زیبایی، می فرماید: «حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ ... وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ تا آنکه سوار در کشتی شوند و در خطر غرق قرار گیرند، آن وقت است که خدای را با خلوص می خوانند.» (سوره یونس، آیه ۲۲).

معنای خلوص در خواندن خدا یعنی؛ این دعا و تضرعشان در حالت غرق شدگی با آنچه پیش از ایشان بود فرق دارد. پیش از این هم خدا را می خواندند و هم آنهایی را که برای او شریک می پنداشتند. یعنی در دلشان دو قبله بود ولی اکنون جز خدا به هیچ چیز دیگر نمی پردازند و دلهایشان از لوث شرک پاک شده است. (تفسیر هدایت، ج ۴، ص ۳۰۱) و انسان تمام توجه خود را فقط به حضرت حق معطوف می دارد.

در فرازی از مناجات امام سجاد علیه السلام، توجه خالصانه به درگاه احدیت با این عبارات در کمال بندگی به لطافت و زیبایی اظهار شده است: «یا من تحلُّ به عقد المکاره و یا من یلتمس منه المخرج الی روح الفرج ذلَّتْ لقدرتك الصعاب و تَسبَّبَتْ بلطفک الاسباب. انت المدعوُّ للمهمَّات و انت المفزعُ فی الملمات لا یندفعُ منها الا ما دفعتَ و لا یکشفُ منها الا ما کشفْتَ؛ ای خدایی که پیچیدگی ناگواری ها فقط به وسیله تو حل می گردد و ای کسی که با روی آوردن به تو آسایش را تنها می کنم فقط به قدرت تو هر دشواری هموار است و تنها سبب ساز، لطف توست... در گرفتاری های دردآور، فقط تو فریاد رس آنها هستی و تنها آن چه را که تو دور کنی و موانعی را که تو برطرف کنی، رهایی از آنها حاصل می شود.» (صحیفه سجادیه، دعای هفتم، ص ۵۸)

به همین دلیل است که انسان، در حالت اضطرار به فطرت خدایی خود رجوع می کند و می فهمد حاجتش را خالصانه فقط از خدا بخواهد و عرض حاجت به پیشگاه او ببرد و تنها باز کننده گره های زندگی او فضل و لطف بی نهایت حق است. چنانکه حضرت یونس در دل نهنگ به حقیقت بندگی و عجز خود پی می برد و خاضعانه می گوید: «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء، آیه ۸۷ و ۸۸)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «هر گاه یکی از شما بخواهد هر چه از خدا مسالت می کند خداوند به او بدهد باید از همه مردم مایوس شود و امیدی جز به خداوند عزیز نداشته باشد، زمانی که خداوند به این حالت از قلب او اطلاع پیدا کرد، چیزی از خدا درخواست نمی کند مگر اینکه خدا به او بدهد» (کافی ج ۲، ص ۱۴۸)

بنابراین چون فرد مضطر از تمام اسباب صرف نظر کرده و منقطع از غیر خدا شد، این اضطرار او سبب می شود که دعا و خواسته ی او از قلبش ظهور کند؛ چرا که خواستها فطری است. لذا دعا به اقصی مرتبه رسیده و سبب تام وسایل فراهم شده و مستلزم مشیت پروردگار است و چیزی که قابل فیض الهی باشد به طور حتم محقق خواهد شد. سراینکه

پیامبران هرگونه دعا و درخواستی از ساحت پروردگار بنمایند؛ بطور حتم اجابت می‌شود؛ همین است که از صمیم قلب نشأت گرفته اند. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص: ۱۵۵-۱۵۴)

۴.۴. رسیدن به مقام صدق و تقرب الهی

حالت اضطرار، حجاب‌های میان بنده و خدا را می‌زداید و هنگامی که بنده فقط به خدا پناه ببرد، به مقام قرب الهی نزدیک می‌شود؛ چرا که در قلب او جز یاد خدا و امید به او چیزی باقی نمی‌ماند. در این مرحله، انسان خدا را نه تنها با عقل، که با تمام وجود خود به عنوان قادر مطلق و مهربان حقیقی درمی‌یابد. بر این اساس، رسیدن به مقام صدق و تقرب الهی هنگامی محقق می‌شود که انسان با خلوص، خدا را بخواند و تنها او را مسبب امور بداند. در چنین حالتی، حضور و تقرب به حق برای وی تجلی می‌یابد.

تا زمانی که انسان تصور می‌کند می‌تواند با تکیه بر علم، قدرت، مال یا ارتباطات خود مشکلاتش را حل کند، کمتر به سوی خدا روی می‌آورد. اما هنگامی که این ابزارها ناکام می‌مانند، انسان فقر و نیاز خود را در برابر غنای مطلق الهی احساس کرده و خود را در محضر او می‌یابد. به تعبیر روایتی، دل‌های شکسته جایگاه حضور خدای تعالی است: «از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پرسیدند: خدا کجاست؟ فرمود: نزد کسانی که دل‌هایشان شکسته است» (مجلسی، ج ۷۰، ص ۱۵۷). این قرب الهی، در قرآن به «مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر: ۵۵) وصف شده است. طبرسی این قرب را به معنای بهره‌مندی از حمایت و رحمت و اسعه الهی تفسیر کرده است (طبرسی، ج ۹، ص ۲۹۵).

حقیقت دعا، رسیدن به حضور خداوند است و حالت اضطرار و توجه خالصانه، زمینه‌ساز این حضور است (جوادی آملی، حکمت عبادات، ص ۲۳۶). اما متأسفانه پس از برطرف شدن مشکل، بسیاری از مردم غفلت می‌ورزند و خدا را فراموش می‌کنند؛ چنانکه قرآن می‌فرماید: «و هنگامی که آسیب و رنجی به انسان می‌رسد، ما را - در حالی که به پهلوی خوابیده یا نشسته یا ایستاده است - می‌خواند؛ اما وقتی آن رنج را از او برطرف سازیم، چنان می‌رود که گویی هرگز برای رفع آن مشکل ما را نخوانده است. این چنین برای اسرافکاران اعمالشان آراسته شده است» (یونس: ۱۲).

نابراین در یک جمع بندی می‌توان گفت: اضطرار موجب احساس درماندگی شده و با تضرع درماندگی و عجزش را ابراز و اعتراف می‌نماید. در حالت تضرع انسان از غیر الله قطع امید می‌کند و به طور فطری گرایش به خدا می‌

یابد و در آن حالت خالصانه خدا را می خواند در این حالت صادقانه فرد در محضر پروردگار خویش پذیرفته شده و چون لحظه پذیرش الهی و قرب حق تعالی به وقوع پیوندد، و خداوند در این لحظه کرامت را بر بندگان با اجابت خواسته هایشان تمام می کند؛ چنانکه امام صادق علیه السلام می فرماید: «.. فان علم الله من قلبك صدق الالتجاء اليه: نظر اليك بعين الرأفة و الرحمة و اللطف و وفقك لما يحب و يرضى، فإنه كريم يحب (اوجب) الكرامة لعباده المضطرين اليه المحدقين على بابه لطلب مرضائه، قال تعالى: أمن يجيب المضطر اذا دعاه ؛ پس اگر خداوند متعال در این صورت از تو خلوص نیت و صدق دعوت و صمیمیت مشاهده فرمود؛ البته با نظر مهربانی و لطف و رحمت در تو خواهد نگرست، و تو را توفیق خواهد داد به آنچه دوست می دارد و خوشنود می شود، زیرا خداوند کریم است و دوست می دارد که به بندگان مضطری که به درگاه او رو آورده اند، بخشش و عنایت فرماید. خداوند می فرماید: ای پروردگاری که دعوت مضطرين را اجابت فرموده و گرفتاری سوء آنان را برطرف می کنی». (مصباح الشریعه، ۱۳۶۰، ترجمه مصطفوی، ص ۵۲؛ مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۳۸) لذا همین امر منجر به اجابت خواسته ی وی می گردد. لذا به طور کوتاه می توان مراحل زیر را در چگونگی تاثیر اضطرار بر استجابت دعا برشمرد:

احساس درماندگی و تذلل با وارد شدن سبب اضطرار

ابراز درماندگی با تضرع و گریه و پناه جویی

ناامیدی از غیر خدا و انقطاع قلب

رسیدن به مقام خلوص و صدق نیت

5. ثمرات دعا در حالت اضطرار

از آنجا که حالت روحی اضطرار در وجود انسان توجه عمیقی را به ذات احدیت ایجاد می کند، دعا در این حالت آثار و برکات مادی و معنوی زیادی را به دنبال دارد:

۵.۱. استجابت دعا

به استناد آیه ۶۲ سوره نمل اضطراب موجب استجاب خواسته انسان می شود و این اولین ثمره‌ی دعا در حالت اضطراب است که خداوند آن را برای مضطرّ حقیقی ضمانت نموده است. البته استجاب دعا می تواند به شکل های مختلفی محقق گردد، که قبلاً اشاره شد.

۵.۲. رفع گرفتاری

دعای مضطر، اثری فراتر داشته و فقط منجر به استجاب دعا نمی شود، بلکه عاملی را که باعث ضرر شده است؛ دفع و رفع می نماید. (ویکشف السوء) زیرا به جای اینکه جواب شرط استجاب دعا باشد، اعمّ آن کشف سوء (نه ضرر) آمده (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص: ۲۱۹) معنای کشف، یعنی رفع آن چیزی که موجب ناراحتی و کراهت انسان می شود و سرور او را به همراه دارد. (رک: در معنای سوء: ابن منظور، ج ۱، ص ۹۵). همچنین آمدن حرف واو (و) یکشف السوء) و جدا کردن آن نشان از این دارد، که کشف سوء غیر از اجابت و البته در راستای آن است.

۵.۳. رشد و حرکت در مراتب ایمان

یکی از دستاوردهای تربیتی دعا، تحکیم بنیان های ایمانی و تسهیل حرکت انسان در مسیر تعالی به سوی حق تعالی است. این مهم، بر اساس نص صریح قرآن کریم در آیه ۱۸۶ سوره بقره تبیین می گردد: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ». این آیه به روشنی بیان می دارد که خداوند، نزدیک است و دعای نیایشگران را اجابت می کند، مشروط بر آنکه به دعوت الهی پاسخ مثبت داده و ایمان بیاورند تا به «رشد» دست یابند.

هدف غایی از دعا و تصدیق وعده های الهی، در این آیه، «رشد» معرفی شده است. مفهوم رشد، همان گونه که در آیات دیگر قرآن (مانند آیه ۲۵۶ سوره بقره) نیز بدان اشاره شده، در تقابل با انحراف قرار دارد. این واژه، دلالت بر مفاهیمی چون هدایت، نجات، صلاح و کمال دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۵۴؛ فیومی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۱۹). بر این اساس، انسان در وضعیت اضطراب، که اوج تضرع و مناجات با پروردگار است، از مؤثرترین ابزارهای هدایت و پیشرفت در مراتب ایمانی بهره مند شده و خود را در مسیر رشد و تکامل معنوی قرار می دهد.

نتیجه گیری

در رابطه با چگونگی به اجابت رسیدن دعای مضطر به استناد آیه ۶۲ نمل و سایر آیات و سخنان معصومین علیه السلام چنین برداشت می‌شود:

بر اساس بررسی آیات قرآن کریم (به‌ویژه آیه ۶۲ سوره نمل) و روایات معصومین (ع) مندرج در منابعی مانند صحیفه سجادیه، می‌توان دریافت که حالت اضطرار با ایجاد احساس درماندگی مطلق، انسان را به سمت تضرع و زاری در درگاه الهی سوق می‌دهد. این حالت، موجب انقطاع از غیر خدا و گرایش قلبی خالصانه به سوی او می‌شود. در نتیجه، فرد به مقام صدق و قرب الهی نائل شده و شرایط لازم برای استجاب دعا فراهم می‌گردد.

دست‌آورد اصلی این پژوهش، ارائه «مدل پنج مرحله‌ای گذار از اضطرار به استجاب» است که به صورت نظام‌مند فرآیند تحول درونی انسان را در حالت اضطرار تبیین می‌کند. این مدل نشان می‌دهد که اضطرار تنها یک شرط خارجی نیست، بلکه یک فرآیند درونی عمیق است که با شکستن حجاب غفلت آغاز شده و با وصول به مقام «مَقْعَدِ صِدْق» به کمال می‌رسد.

افزون بر استجاب، این حالت موجب رفع گرفتاری‌ها، رسیدن به مقام خلافت معنوی و حرکت در مراتب عالی ایمان و رشد روحی می‌شود. بنابراین، مشکلات و شدائد، زمینه‌ساز بیداری از غفلت و تقرب به خداوند هستند و باید از آنها به عنوان فرصتی برای تقویت ایمان و بندگی بهره برد.

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.

نهج البلاغه، ترجمه محد دشتی، انتشارات آل علی علیه السلام، چ چهارم ۱۳۸۱.

صحیفه سجادیه، ترجمه حسن ممدوحی، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵.

آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۵ ق.

ابن بابویه، ابوجعفر محمد قمی، الخصال، تصحیح سید احمد فهریزنجانی، تهران، انتشارات علمیه الاسلامیه.

ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقائیس اللغة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی ۱۴۰۴ ق.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عده الداعی و نجاح الساعی، قم، مکتبه الوجدانی، بی تا.

ابن منظور، لسان العرب، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

جوادی آملی، عبدالله، حکمت عبادات، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۸.

حر العاملی، شیخ محمد، وسایل الشیعه، تصحیح شیخ محمد رازی، تهران، مکتبه الاسلامیه.

حسینی همدانی، محمد حسین، انوار الدرخشان، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴.

خیاط، علی؛ تجلی قرآن در نیایش معصومان، مشهد، دانشگاه علوم رضوی، ۱۳۹۲.

راغب اصفهانی، حسین محمد، مفردات فی غریب القرآن، بیروت دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲ه ق

روحانی، محمود، معجم الاحصایی لافاظ القرآن الکریم، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۲.

طباطبایی، تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۷ق.

طبرسی، فضل بن حسن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.

طریحی، مجمع البحرین، المکتبه المرتضویه. بی تا

طوسی، محمد، الخلاف، تهران ۱۳۸۲ق.

طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.

علی بن حسین، الصحیفه السجاده، قم دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶

فراهیدی، خلیل بن احمد، به کوشش مهدی مخدومی، کتاب العین، بغداد، ۱۹۸۱م.

قرشی، علی اکبر، قاموس القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، مشهد، به نشر، ۱۳۹۱.

قیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، بی جا، المكتبة العصریه، ۱۴۱۸ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، محقق: دارالحديث، قم داراحديث. ۱۴۲۹هـ.

مترجمان، تفسیر هدایت، بنیاد پژوهشهای اسلامی استان قدس، مشهد، ۱۳۷۷ ش.

منسوب به امام ششم، مصباح الشریعه، ترجمه مصطفوی، تهران، ۱۳۶۰ش.

مشکینی، علی، مصباح المنیر؛ الهادی، قم، هفتم، ۱۳۷۹ش.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایره المعارف قرآن کریم، قم، موسسه بوستان کتاب.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

مطهری، مرتضی، بیست گفتار، قم، انتشارات صدرا، بی تا

مطهری، انسان و سرنوشت، قم انتشارات صدرا، بی تا.

مغنیه، محمد جواد، التفسیر المبین، قم، بنیاد بعثت، بی تا.

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۳۶، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چ هفتم، ۱۴۰۴ق.

نوری، حسین بن محمد تقی، مسترک الوسائل و مستنبط السائل، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.